

بررسی و تحلیل نسخه‌های خطی نویاب درباره رقیه بنت الحسین (علیها السلام)؛ با رویکرد پاسخ به دو شبهه مهم

اسدالله رحیمی^۱

چکیده

یکی از مسائل تاریخی مربوط به واقعه کربلا که در دوره حاضر مورد مناقشه برخی محققان حوزه تاریخ قرار گرفته وجود دختری از امام حسین (علیها السلام) در میان اسیران و جان دادن او در واقعه‌ای است که در خرابه شام رخ داده است. اسناد و شواهد موجود تاریخی در این زمینه در مقاله بررسی و تحلیل منابع تاریخی درباره رقیه بنت الحسین (علیها السلام) از آغاز تا قرن هفتم هجری بررسی شده است. پس از انتشار این مقاله، نسخه‌های خطی از کتاب‌های کامل بهایی، کنز الغرایب و لباب الانساب توسط برخی محققان کشف و ارائه و شبهات جدیدی در این مسئله پدیدار شد. همچنین دیدگاه مرحوم علامه سید جعفر مرتضی عاملی درباره این موضوع از سوی برخی محققان مورد استناد قرار گرفت. مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیل تاریخی، نسخه‌های مزبور و دیدگاه علامه عاملی (رحمه الله علیه) را بررسی می‌کند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متن نسخه‌های خطی موجود با توجه به گزارش نسخه خطی تازه‌یاب کتاب السنی فی قتل اولاد النبی (صلی الله علیه و آله) (متعلق به قرن پنجم) با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و فهم و تحلیل نسخه‌شناس از مسئله ناتمام است. همچنین اظهارات علامه (رحمه الله علیه) در این زمینه با اشکالات جدی مواجه بوده و با توجه به گزارش‌ها و شواهد قوی مخالف، دیدگاه ایشان قابل اثبات نیست.

واژگان کلیدی: رقیه بنت الحسین (علیها السلام)، واقعه خرابه شام، نسخ خطی السنی، کامل بهایی، کنز الغرائب، جعفر مرتضی عاملی (رحمه الله علیه).

مقاله بررسی و تحلیل منابع تاریخی درباره رقیه بنت الحسین علیها السلام از آغاز تا قرن هفتم هجری در اولین شماره دوفصلنامه تاریخ اهل بیت علیهم السلام منتشر شد که بخشی مربوط به کتاب کامل بهایی مبتنی بر نسخه چاپی موجود نگارش یافته بود. برخی محققان^۱ با انجام تحقیق بدیع و ارزشمند، نسخه های خطی کامل بهایی را از قرن هشتم هجری به بعد، کشف و ارزیابی کرده و به این نتیجه رسیدند که چاپ سنگی بمبئی به سال ۱۳۲۳ تحریفات و تغییراتی در متن گزارش ایجاد کرده است. مرحوم محدث قمی در کتاب منتهی الآمال با اینکه این چاپ را مغلوط و سقیم می دانست، اما چون به نسخه های پیش از آن دسترسی نداشت واقعه خرابه شام را از همین چاپ نقل کرد و پس از آن، نویسندگان مبتنی بر گزارش منتهی الآمال این واقعه را بررسی کردند. ایشان همچنین به نسخه خطی کتاب کنز الغرائب فی قصص العجایب از نویسنده نامعلوم و متعلق به قرن هشتم هجری دست یافته که واقعه خرابه شام را گزارش کرده و به صراحت از امام حسین علیها السلام و دختر او سخن گفته است. وی براساس تحلیلی که از متن کامل بهایی دارد گزارش واقعه خرابه شام در این دو کتاب را متعارض می داند. وی همچنین، گزارش لباب الانساب بیهقی درباره حضرت رقیه علیها السلام را مخدوش دانسته و آن را متهافت خوانده است.

سید جعفر مرتضی عاملی رحمه الله در کتاب سیره الحسین علیها السلام بخشی را به واقعه خرابه شام اختصاص داده و با ایراد نقدهایی بر نسخه چاپی کامل بهایی و بدون اطلاع از نسخه های خطی آن به این نتیجه رسیده است که امام حسین علیها السلام دختری به نام رقیه نداشته و قبر موجود در شام متعلق به رقیه دختر امام علی علیها السلام است. این در حالی است که به تازگی نسخه خطی بسیار ارزشمندی متعلق به قرن پنجم به نام السنی فی قتل اولاد النبی صلی الله علیه و آله از نویسنده عالم سنی مذهب به نام قاسم بن محمد بن احمد مأمونی (م. حدود ۵۰۰ هـ.ق) در کتابخانه سلیمیه ادرنه ترکیه کشف شده است که ماجرای شهادت دختر امام حسین علیها السلام

۱. رحیم قاسمی (پژوهشگر و محقق)، یافته های نسخه شناسی خود از کتاب های کامل بهایی، کنز الغرائب و لباب الانساب درباره واقعه خرابه شام و حضرت رقیه را در کانال های تلگرامی، ایستا و... منتشر کرده است. نگارنده به مقاله یا کتابی از ایشان در این زمینه دست نیافت و به ناچار دست مایه های وی را از گروه پژوهش های تاریخی (تاریخ دانان) در ایستا اخذ و نقل کرده است. بنابراین، مطالبی که در مقاله حاضر به این نویسنده نسبت داده می شود برگرفته از گروه مزبور است که هم اکنون نیز موجود است. (ر.ک.، <https://eitaa.com/>)

(۱۶۵۲۰۳۱۶۴۰C۴۹۶cc۲۹fb۷/joinchat)

در خرابه شام را گزارش کرده است. این گنج پر بها که نسخه شناس مزبور و مرحوم علامه از آن بی اطلاع بودند، می تواند از رمز و رازهای نسخه های خطی کامل بهایی و کنز الغرایب گره گشایی کند و به هرگونه ابهاماتی در این زمینه پاسخ دهد.

دستیابی به این نسخه قدیمی نویسنده را بر آن داشت که به چند امر مهم و ضروری اهتمام ورزد: از یک سو می بایست بخشی متعلق به کتاب کامل بهایی در مقاله مزبور، اصلاح و براساس کهن ترین نسخه خطی این کتاب بررسی می شد. از سوی دیگر، باید باتوجه به نسخه نویاب به ملاحظات و اشکالات نسخه شناس محترم در موارد یادشده پاسخ داده شود. دیدگاه علامه عاملی رحمته الله علیه برپایه نسخ خطی کامل بهایی نیز باید بررسی شود. مقاله حاضر باروش تحلیل تاریخی و در دو بخش، ابتدا نسخه های خطی کامل بهایی، کنز الغرایب، السنی و لباب الانساب و اظهارات محقق ارجمند را و سپس دیدگاه مرحوم عاملی را بررسی می کند.

۲. بررسی اظهارات نسخه شناس

۱-۲. تعارض نسخه های خطی و چاپی کامل بهایی

نسخه شناس، چندین نسخه خطی از کتاب کامل بهایی را شناسایی کرده است که در کتابخانه های مجلس، ملی و آیت الله مرعشی نجفی نگهداری می شوند. قدیمی ترین نسخه خطی متعلق به قرن هشتم هجری است که در کتابخانه مجلس قرار دارد و پس از آن، نسخه ای متعلق به قرن نهم هجری که در کتابخانه ملی موجود است. متن این دو نسخه درباره واقعه خرابه شام به نسبت با هم عینیت دارند جز تفاوت های اندک در تقدیم و تأخیر برخی عبارات. نسخه دیگری نیز به قرن دهم تعلق دارد که در کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی رحمته الله علیه نگهداری می شود و متن آن با دو نسخه پیشین هم خوانی دارد. از نظر نسخه شناس، این سه نسخه تحریف نشده و متن آنها قابل اعتماد است. متن نسخه کتابخانه ملی چنین است: «و عورات اصحاب حسین اطفال خویش را وعده ها می دادند که پدر شما به فلان جای رفته است درین چندروزه بازآید. کودکی طلب پدر خود کرد و گفت یا مادر، من این ساعت پدر خود را به خواب دیدم. زنان و کودکان همه در گریه افتادند. فغانی از میان ایشان برآمد.

در آن زمان یزید لعین خفته بود. بدان آواز بیدار شد و گفت که چه شده است اینجا. حاجبان آمدند و تفحص کردند و احوال با یزید بگفتند. یزید بفرمود تا سر پدر او بیاورند و درکنار او نهادند. آن کودک چهارساله چون سر پدر خود را بدید، پرسید که این چیست. لعینی گفت که سر پدر تو. کودک بترسید و فریاد برآورد و رنجور شد و در آن چندروزه جان به حق تسلیم کرد» (ر.ک.، تصویر شماره ۳). در قرن دهم هجری و پس از آن، نسخه‌های خطی دیگری نگارش یافته است که چند تحریف و افزوده‌ای در آنها ایجاد شده است از جمله: نقل از کتاب حاویه؛ به کارگیری عبارت «زنان خاندان» به جای «عورات اصحاب حسین»؛ به کارگیری عبارت «دخترکی بود چهارساله» به جای «کودکی طلب پدر خود کرد» (ر.ک.، تصویر شماره ۴).

با این حال، بزرگ‌ترین تحریف در چاپ سنگی بمبئی هند به سال ۱۳۲۳ ه. ق رخ داده است که متن آن چنین است: «در حاویه آمد که زنان خاندان نبوت درحالت اسیری، حال مردان که در کربلا شهید شده بودند بر پسران و دختران ایشان پوشیده می‌داشتند و هر کودکی را وعده‌ها می‌دادند که پدر تو به فلان سفر رفته است، بازمی‌آید، تا ایشان را به خانه یزید آوردند. دخترکی بود چهارساله. شبی از خواب بیدار شد و گفت که پدر من حسین کجاست؟ این ساعت او را به خواب دیدم سخت پریشان زنان و کودکان جمله در گریه افتادند و فغان از ایشان برخاست. یزید خفته بود و از خواب بیدار شد و حال تفحص کرد. خبر بردند که حال چنین است. آن لعین درحال گفت که بروند و سر پدر او را بیاورند و درکنار او نهند. ملاعین سر بیاوردند و درکنار آن دختر چهارساله نهادند، پرسید «این چیست»، ملاعین گفت «سر پدر تست». آن دختر بترسید و فریاد برآورد و رنجور شد و در آن چند روز جان به حق تسلیم کرد» (ر.ک.، تصویر شماره ۵).

نسخه‌شناس پس از بررسی نسخه‌های موجود چنین نتیجه می‌گیرد:

- نسخ خطی کهن کامل بهایی واقعه خرابه شام را به «عورات اصحاب حسین (ع)»

نسبت داده‌اند. برخی نسخ متأخر نیز براساس نسخ کهن است؛ (ر.ک.، تصویر شماره ۳)

- در نسخ خطی متأخر کامل بهایی «عورات اصحاب حسین» به «زنان خاندان» تبدیل

شده است؛ (ر.ک.، تصویر شماره ۴)

- کلمه «حسین» در قرن چهاردهم به چاپ سنگی کامل بهایی افزوده شده است و

در هیچ یک از نسخ خطی کامل بهائی وجود ندارد؛ (ر.ک.، تصویر شماره ۵)

- شیوه تعبیر از شهیده شام با تعبیری مانند «کودکی طلب پدر خود کرد» در نسخ کهن و «دخترکی بود چهارساله» در نسخ متأخر هیچ تناسبی با دختر سیدالشهدا بودن ندارد؛ (ر.ک.، تصویر شماره ۳ و ۴)

- صاحب کامل بهایی فقط دو دختر یعنی، فاطمه و سکینه برای امام حسین علیه السلام ذکر کرده است؛ (طبری، ۱۳۷۹، ۵۸۱/۲)

- براساس نسخ خطی کهن کامل بهایی، شهیده شام دختر یکی از اصحاب امام حسین علیه السلام است؛ (ر.ک.، تصویر شماره ۳)

- براساس نسخ خطی متأخر کامل بهایی، شهیده شام دختر بچه‌ای از خاندان نبوت است، اما دختر حضرت سیدالشهداء علیه السلام نیست؛ (ر.ک.، تصویر شماره ۴)

- محدث قمی به نسخ خطی کامل بهایی دسترسی نداشته و حکایت خرابه را از چاپ سنگی تحریف شده هند نقل کرده است و قاطبه مؤلفان و محققان پس از او با اعتماد به نقل محدث قمی آن را پذیرفته‌اند؛ (قمی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲۹)

- کتاب کامل بهایی نمی‌تواند مستندی برای قائلین به رقیه بنت الحسین باشد و ادله آنها منحصر به چند منبع غیرمعتبر مانند روضه‌الشهدای کاشفی سبزواری، منتخب طریحی و تظلم الزهراست که او هم از منتخب نقل می‌شود که علاوه بر نامعتبر بودن با کتب انساب نیز در تعارض هستند؛ (ر.ک.، [https://eitaa.com/joinchat/C496cc29fb7/](https://eitaa.com/joinchat/C496cc29fb7/https://eitaa.com/joinchat/C496cc29fb7/)، ۱۶۵۲۰۳۱۶۴۰)

شهیده شام چه دختر یکی از اصحاب حضرت سیدالشهدا باشد و چه دختر بچه‌ای علویه و از خاندان نبوت، فدایی راه حضرت سیدالشهداء علیه السلام است و احترام ویژه دارد.

۲-۱-۱. بررسی و نقد

فهم و استنباط و تحلیل محقق محترم از متن نسخه‌های اصلی و تحریف‌نشده و اظهارنظرهای ایشان در این زمینه از چند نظر قابل تأمل است:

- نویسنده، کلمه اصحاب را در مقابل خاندان بنی هاشم قرار داده و بدون هیچ قرینه‌ای معنای آن را به یاران امام حسین علیه السلام غیر از خاندان بنی هاشم اختصاص داده است، درحالی‌که اصحاب به معنای عام، شامل تمام افرادی است که آن حضرت را یاری کردند درحالی‌که، اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله به صورت عام، شامل امام علی علیه السلام و تمام بنی هاشم نیز

می شود. مشهور است که در شب عاشورا اصحاب امام حسین (علیه السلام) تاپای جان اعلام وفاداری کردند و در رأس آنها حضرت عباس (علیه السلام) بود. (طبری، ۱۳۸۷، ۴۱۸/۵) این خود قرینه است بر اینکه هر جا کلمه اصحاب به تنهایی و بدون قرینه تخصیص ذکر شود معنای عام آن مراد است؛ - از آنجا که کلمه «عورات» نیز مانند واژه اصحاب، معنای عامی دارد و شامل تمام زن های اسیر می شود چه از خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و چه از غیر بنی هاشم. از اینجا اشتباه دیگر نسخه شناس محترم آشکار می شود که عوارت را به زنانی غیر از بنی هاشم اختصاص داده است، در حالی که به نظر می رسد کلمه «عورات» می تواند تمام زن های اسیر از بنی هاشم و غیر بنی هاشم را شامل شود؛

- بر اساس نسخه های متقدم کامل بهایی که مورد استناد نویسنده واقع شده است هیچ مانعی وجود ندارد که آن کودک از خاندان امام حسین (علیه السلام) و حتی از خود آن حضرت باشد؛ زیرا آن کودک کسی بوده است که «عورات اصحاب (=مجموعه زنان اسیر)» به او می گفتند: «پدرت جایی رفته و باز می گردد». هیچ استبعادی ندارد که آن کودک، فرزند امام حسین (علیه السلام) بوده و حضرت زینب (علیه السلام) که یکی از عورات به شمار می رفت چنین سخنی با او گفته باشد. تعبیر «یا مادر» از سوی آن کودک به معنای حضور مادر او در میان زن های اسیر نیست چه اینکه جاری شدن کلمه «مادر» بر زبان کودکان در شرایط رنج و مصیبت امری طبیعی است هر چند مادرش حاضر نباشد؛

- اگرچه گزارش کامل بهایی تصریح ندارد که آن کودک فرزند امام حسین (علیه السلام) بوده است، اما به کمک شواهدی بیرون از دایره این گزارش می توان به این حقیقت دست یافت که آن کودک منسوب به آن حضرت بوده است. این شواهد از دو نظر قابل توجه است: اول اینکه، هیچ گزارش و شاهد تاریخی وجود ندارد که نسبت آن کودک را به اصحاب امام حسین (علیه السلام) ثابت کند. دوم اینکه، شواهد متقنی بر انتساب آن کودک به امام حسین (علیه السلام) وجود دارد: شاهد اول، تعبیر واژه «بنات»^۱ در منابع متقدم تاریخی است که دست کم وجود سه دختر را برای آن حضرت ثابت می کند. شاهد دوم، تصریح به نام «رقیه» در گزارش

۱. در مقاله ای که تکمله حاضر در تداوم آن نگارش شده است واژه «بنات» در منابع به تفصیل بررسی شده است. (ر.ک.، عبدالحمیدی و رحیمی، ۱۳۹۸/۳۴-۳۸)

ابن فندق^۱ است. شاهد سوم، تصریح به نام «رقیه» در لِهوف^۲ سید بن طاووس (م ۶۶۴ هـ.ق)، شاهد چهارم، تصریح به نام امام حسین علیه السلام و دخترش در کتاب کنز الغرایب (۷۳۷ هـ.ق) و شاهد پنجم که از همه مهمتر است گزارش شهادت دختری از امام حسین علیه السلام در کتاب تازه یاب السنی (حدود ۵۰۰ هـ.ق) است. این شواهد نشان می‌دهند که دختری از امام حسین علیه السلام در کربلا بوده و چون هیچ نشانه‌ای از آن دختر پس از بازگشت اهل بیت علیهم السلام به مدینه وجود ندارد این مسئله را تقویت می‌کند که در حالت اسیری از دنیا رفته است؛

- محقق محترم، تصریح به اسم دو دختر برای امام حسین علیه السلام در کتاب دیگر عمادالدین طبری (طبری، ۱۳۷۹، ۵۸۱/۲) را دلیل بر عدم اعتقاد طبری به دختر سوم برای آن حضرت می‌داند، در حالی که نقل کامل بهایی با آن کتاب هیچ منافاتی ندارد؛ زیرا مؤلف در مقام ذکر نام دختران امام حسین علیه السلام بوده و چون در کامل بهایی اسمی از آن کودک نیآورده است در کتاب دیگرش نیز اسمی از او به میان نیاورده است. این گمان نیز وجود دارد که اسم آن کودک برای مؤلف مشخص نبوده و از همین رو، از تصریح به نام او خودداری کرده است.

۲-۲. تعارض گزارش کنز الغرائب با گزارش کامل بهایی

نسخه شناس محترم در ابتکار جدید و ارزشمند دیگری به نسخه خطی کتاب کنز الغرائب فی قصص العجایب دست یافته است. این کتاب به سال ۷۳۷ هجری نوشته شده که نویسنده اش مجهول است و هم‌اکنون با مشخصات «برگ ۱۲۶ الف و ب - شماره ۹۹» در کتابخانه ملی فرانسه نگهداری می‌شود. کاشفی در کتاب روضه الشهدا واقعه خرابه شام را از همین کتاب اگرچه مبسوط نقل کرده، اما امانت داری را رعایت کرده است. (کاشفی، بی‌تا) در تصویری که از این نسخه خطی ارائه شده آمده است: «و به اسناد و مشایخ مصنف رحمه الله آمده است که در آن حالت که اهل بیت را بسرای یزید درآوردند از فرزندان امیرالمؤمنین بچککی چهارساله مانده بود دخترینه و پدر را عظیم دوست داشتی و همیشه پیرسیدی گفتند که به جایی رفته است و ناگاه درین شب او را در خواب دیده بود از غلبه اشتیاق چون بیدار شد و پدر را ندید شوقش

۱. در همان مقاله (ر.ک.، عبدالحمیدی و رحیمی، ۴۰/۱۳۹۸-۴۲)، عبارات ابن فندق، ارزش کتاب او و شبیهاتی درباره متنی مربوط به رقیه بررسی شده است.

۲. در همان مقاله (عبدالحمیدی و رحیمی، ۴۰/۱۳۹۸-۴۲)، همه احتمالات درباره تعبیر رقیه در کتاب لِهوف بررسی شده و قرآینی بر دختر امام حسین علیه السلام بودن او ارائه شده است.

زیادت شد و چون بدین سرای درآمدند او بی صبری می کرد و می گریست. چون او را پرسیدند گفت من امشب پدر را در خواب دیدم یا امه مرا خبر ده که پدر من کجا رفت که مرا بیش طاقت مفارقت او نمانده است. چون اهل بیت این سخن را بشنیدند بیکبارگی نوحه و فریاد از نهاد ایشان برآمد و هرکه با ایشان بود همه بگریستند. یزید در خواب غفلت بود بیدار شد از غلبه فریاد و نوحه ایشان پرسید که حال چیست. قصه را با او بگفتند بفرمود که سر امیرالمؤمنین حسین را بیارند تا ببیند. چون بیاورند و در پیش او نهادند پرسید که این چیست گفتند سر پدر تو چون این سخن بشنید بلرزید و تبش گرفت و فومان یافت و این از مناکیر و قبايح یزید بود لعنه الله.»

در این گزارش به روشنی تصریح شده است کودکی که در خرابه جان داده دختری چهارساله از امام حسین (علیه السلام) بوده است. از همین رو، محقق محترم براساس فهم و تحلیل خود از گزارش نسخه کهن کامل بهایی، چنین نتیجه گرفته است که میان کنز الغرائب و کامل بهایی تعارض وجود دارد و برای ترجیح باید مرجحات تاریخی و علم انساب را در نظر گرفت.

۲-۱-۲. بررسی و نقد

باتوجه به مطالبی که درباره متن نسخه های قدیمی کامل بهایی بیان شد به نظر می رسد هیچ تعارضی میان کتاب کامل بهایی (۶۷۵ هـ.ق) و کنز الغرائب (۷۳۷ هـ.ق) وجود ندارد؛ زیرا در گزارش کامل بهایی هیچ منعی وجود ندارد که شهیده شام، دختر امام حسین (علیه السلام) باشد. بنابراین، گزارش کنز الغرائب نه تنها منافاتی با نقل طبری ندارد، بلکه مؤید آن است و می تواند شاهد روشنی بر این نکته باشد که مراد از پدر و کودک در نقل کامل بهایی، امام حسین (علیه السلام) و دختر اوست. در اقدام نسخه شناسی فاخر و ارزشمندی که انجام شده است نسخه ای خطی از کتاب السنی فی قتل اولاد النبی (صلی الله علیه و آله) (حدود ۵۰۰ هـ.ق) اثر قاسم بن محمد بن احمد مأمونی (م. حدود ۵۰۰ هـ.ق) کشف شده است^۱ که ماجرای شهادت دختری از امام حسین (علیه السلام) در خرابه شام را نقل کرده است. متن گزارش موجود در این نسخه، معمای تفاوت در گزارش کامل بهایی و کنز الغرائب را حل می کند؛ زیرا به نظر می رسد هر دو کتاب از

۱. درباره پیدایش این نسخه چنین آمده است: «در فرایند یکی از جست و جویهای پژوهشی، نسخه ای گران سنگ و نایاب از یکی از کتاب های مأمونی، فراچنگ آمد که گویا نامش السنی فی قتل اولاد النبی (صلی الله علیه و آله) است و همان ماجرای شهادت حضرت رقیه (علیه السلام) در آن - درباره یکی از دختران حاضر در کاروان آل الله (علیه السلام) - به چشم می خورد. نسخه خطی مزبور از جمله نسخ مهم کتابخانه سلیمیه شهر ادرنه ترکیه هست. بنابراین، هرچند کتاب مثالب معاویه موجود نیست، ولی کتاب دیگر مأمونی که موضوعش تناسب بیشتری دارد موجود بوده و اسناد مرتبط با شهادت دخت مظلوم در کاروان آل الله (علیه السلام) را تا قرن ۵ هجری به سینه تاریخ می سپارد». (محمدصادق ابوالحسنی، کانال علمی و تاریخی اسرار تاریخ، مشاهده شده در فضای مجازی ایتا http://eitaa.com/monzer_ir)

همین منبع واحد نقل کرده است^۱ و از آنجا که متن این نسخه عربی است برگردان فارسی آن در دو کتاب مزبور براساس ذوق نویسندگان انجام شده است.

در صفحه ۱۰۴ نسخه خطی السنی فی قتل اولاد النبی ﷺ (حدود ۵۰۰ هـ.ق) آمده است: «انّ یزید لما أنزل آل النبی بیتاً من بیوت داره کان فیهم صبیة...^۲ ابنة أربع سنین، وکانت مشتاقة إلى ابیها، وکانوا یکتمون ذلک عنها فانتبهت من منامها فی الهاجرة وقالت: یا امّاه رأیت أبی فی المنام واین هو؟ فصحیح بجمعهن. فبعث إلیهنّ یزید أن یسألهنّ؛ و ذلک أنه کان فی مقيله فانتبه لصحیهنّ، فسألهنّ فقلن: إنّ هذه الصبیة رأت أباهما فی المنام، وقصصن علیه القصة. فأخبره بذلك وأمره اللعین بطرح رأس أبیها فی حجرها. فعلوا کذلک فصاحت: ما هذا؟ فقالوا: رأس أبیک. ففزعت الصبیة و فاضت وماتت؛ هنگامی که یزید خاندان پیامبر ﷺ را در یکی از خانه‌ها ساکن کرد در میان آنها دختری چهارساله وجود داشت که خیلی برای دیدار پدرش مشتاق بود، اما شهادت پدرش را از او مخفی کرده بودند. شبی از خواب بیدار شد و گفت: ای مادر! پدرم را در خواب دیدم، پدرم کجاست. پس همه زنان شیون و فریاد کردند. یزید از صدای گریه زنان بیدار شد و شخصی را فرستاد تا علت این سروصدا را از آنها بپرسد. زنان جریان را برای او تعریف کردند که این دختر پدرش را در خواب دیده است. وقتی این خبر به یزید رسید آن ملعون دستور داد که سر پدرش را در دامن آن کودک بگذارند. پس وقتی این کار را کردند دختر فریاد زد: این کیست. به او گفتند: سر پدرت است. پس دختر بی‌تابی و گریه فراوانی کرد و از دنیا رفت». (نسخه خطی السنی فی قتل اولاد النبی ﷺ، (حدود ۵۰۰ هـ.ق) موجود در کتابخانه سلیمیه ادرنه ترکیه)

در این گزارش به آل النبی تصریح شده است. این صراحت نشانگر آن است که کودک چهارساله متعلق به خاندان پیامبر اکرم ﷺ بوده و چون هیچ شاهی بر انتساب آن دختر به دیگر خاندان رسول خدا ﷺ وجود ندارد تردیدی نمی‌ماند که جزو فرزندان امام حسین ﷺ بوده است. به نظر می‌رسد نگارنده کنز الغرایب به دلیل شواهد موجود در متن عربی گزارش به یقین رسیده است که آن دختر از امام حسین ﷺ بوده است. از این رو، در برگردان فارسی از پدر او به امیرالمؤمنین (حسین ﷺ) تعبیر کرده است، اما مؤلف کامل بهایی، آل النبی را به عورات اصحاب حسین ﷺ تعبیر کرده و به دلایلی که بیان شد اصحاب

۱. اگرچه ممکن است منابع مختلفی در اختیار مؤلفان کامل بهایی و کنز الغرایب وجود داشته است که امروزه در دسترس نیستند، اما مشابهت و همسویی میان گزارش‌های آن دو کتاب با گزارش السنی، این اطمینان را ایجاد می‌کند که دست‌کم یکی از منابع نقل آن دو، همین کتاب السنی بوده است.

۲. موارد نقطه چین، کلماتی است که به دلیل فرسودگی نسخه، محو و ناخوانا شده است، اما در اصل گزارش آسیبی نمی‌رساند.

و عوارث، تمام اسیران را شامل می‌شود، پس هیچ منافاتی ندارد که آن کودک چهارساله دختر امام حسین علیه السلام باشد.

۲-۳. تشکیک در نسخه‌های خطی لباب الانساب

محقق برای اثبات ادعای خود، متن کتاب لباب الانساب ابن فندق (م ۵۶۵ هـ.ق) را بررسی می‌کند و نسخه‌های چاپی و خطی این کتاب را که به اسم دختری از امام حسین علیه السلام به نام رقیه تصریح کرده است در چند مورد مخدوش می‌داند که عبارتند از:

- در یکی از نسخه‌ها آمده است: «ولم یبق من اولاده الا زین العابدین علیه السلام و فاطمه و سکینه و رقیه». (ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۵۵/۱) در نسخه دیگری که در دسترس محقق قرار دارد، آمده است: «و من یبق من اولاده الا زین العابدین علی و فاطمه و سکینه و رقیه» (بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۵۵/۱). این دو نسخه با هم خوانی ندارد.

- این عبارت با چند صفحه قبلش منافات دارد که دختران امام حسین علیه السلام را منحصر به چهار نفر ذکر کرده و نامی از رقیه نبرده است. (ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۵۰/۱).

- باتوجه به این حصر روشن می‌شود کلمه «ورقیه» در پنج صفحه بعد از اضافات و اشتباهات کاتب است؛ زیرا فرض و ادعا این است که رقیه کودکی چهارساله بوده و با فاصله کوتاهی از شهادت پدر از دنیا رفته است. بنابراین، مانند زینب و ام کلثوم باید درباره او گفته شود: «ماتت صغیره» نه «بقی من اولاده».

- گزارش بیهقی را نسب‌شناسان بعدی مورد توجه قرار نداده‌اند و این دلیل بر بطلان آن است.

۲-۳-۱. نقد و بررسی

- تعبیری که به کار رفته است، چه «لم یبق» باشد و چه «من یبق» ذکر نامی دختری به نام رقیه را مخدوش نمی‌کند؛ زیرا در هر دو نسخه به نام رقیه تصریح شده است. از این‌گونه اغلاط در نسخه‌های خطی کتاب‌ها به‌فراوان یافت می‌شود.

- تهافت‌پنداری میان عبارات ابن فندق و پنداشتن کلمه «رقیه» از اضافات کاتب، ناشی از عدم دقت در عبارت‌های نویسنده کتاب است. تفاوت دو تعبیر از سوی ابن فندق نه تنها

دلیل بر تهافت و منافات میان آن دو نیست، بلکه نشان از دقت نظر و ظرافت نویسنده دارد که آگاهانه و براساس بار معنایی واژگان چنین تعبیری به کار برده است. (ر.ک.، پاکدامن، ۱۳۹۴)

- صرف عدم نقل متأخران از یک مطلب، دلیل بر بطلان یا عدم وجود آن در منابع متقدم نیست؛ زیرا چه بسیار مطالبی که در منابع پیشینی ذکر شده، اما در منابع پسینی نیامده است. اگر متأخرین با معیارها و روش های علمی ثابت کنند که نقل گزارشی در منبع متقدم نامعتبر است جای تأمل دارد درحالی که نسب شناسان بعد از ابن فندق چنین سخنی نگفته اند.

۳. بررسی دیدگاه علامه سید جعفر مرتضی عاملی رحمته الله علیه

علامه سید جعفر مرتضی عاملی رحمته الله علیه در فصل ششم از جلد چهارم کتاب سیره الحسین علیه السلام فی الحدیث والتاریخ، (۱۴۳۸ هـ.ق) مسئله واقعه خرابه شام و رقیه بنت الحسین علیه السلام را بررسی و تحلیل کرده و به نتایج خاصی دست یافته است. از شیوه طرح بحث و بررسی آن چنین به نظر می آید که آنچه ایشان را به بررسی این مسئله واداشته و برای او انگیزه ایجاد کرده تناقضات، جعلیات و افزوده هایی است که پس از گزارش عمادالدین طبری و درادوار متأخر پیرامون این موضوع صورت گرفته است؛ چیزی که محقق نمی توانسته درقبال این همه دستبردهای تاریخی، آن هم در موضوعی مربوط به تاریخ اهل بیت علیهم السلام ساکت بماند و دست به پیرایش تاریخی این مسئله نزند.

۳-۱. طرح دیدگاه

مرحوم علامه بحث خود را در این زمینه حول سه محور اصلی مطرح کرده است: نخست، عدم وجود دختری به نام «رقیه» برای امام حسین علیه السلام. دوم، اینکه رقیه ای که در کربلا حضور داشت و همراه کاروان اسیران به شام رفت، در همانجا وفات یافت و مدفون شد، همان «رقیه، دختر امام علی علیه السلام» و همسر مسلم بن عقیل است و آن گونه که برخی گمان برده اند (منظور مؤلف کتاب لطایف المنن، ابن عطاء الله اسکندری (۷۰۹ م هـ.ق) است) در مصر دفن نشده است. سوم، این سخن که «رقیه، بنت الحسین علیه السلام در خرابه شام از دنیا رفته است»، مورد پذیرش نیست. (عاملی، ۱۴۳۸ هـ.ق، ۶۵/۴) ایشان در مورد محور اول، گزارش های سید محسن امین رحمته الله علیه در کتاب اعیان الشیعه را درباره قبری منسوب به رقیه، بنت الحسین علیه السلام در شام

نقل و نقد می‌کند (عاملی، ۱۴۳۸ هـ.ق، ۶۵/۴). در مورد محور دوم، ادعای علامه شعرانی را درباره مدفن رقیه بنت الحسین (علیها السلام) در مصر ناتمام و مردود می‌شمارد (عاملی، ۱۴۳۸ هـ.ق، ۶۶/۴). در محور سوم، گزارش‌های عمادالدین طبری و متأخر او را نقد و بررسی می‌کند و چنین نتیجه می‌گیرد: «یبدو لنا: أن المقام الموجود في دمشق هو للسيدة رقيه بنت أمير المؤمنين (علیه السلام)» (عاملی، ۱۴۳۸ هـ.ق، ۶۷/۴).

۳-۲. عدم وجود دختری از امام حسین (علیه السلام) به نام رقیه

مرحوم عاملی برای اثبات این ادعا دو دلیل مطرح کرده است: اول اینکه، در بیشتر منابع، اسمی از رقیه برده نشده است بلکه دو دختر به نام‌های سکینه و فاطمه را ذکر کرده‌اند. (عاملی، ۱۴۳۸ هـ.ق، ۶۷/۴) دوم، وجود تناقضات در کلام ابن فندق درباره رقیه بنت الحسین (علیها السلام) است؛ با وجود پذیرش سخن ابن فندق، این تعبیر او دلالت ندارد که شخص مدفون در شام همان رقیه است؛ زیرا گزارش واقعه شام قابل اعتماد نیست (عاملی، ۱۴۳۸ هـ.ق، ۶۹/۴).

۳-۲-۱. بررسی و نقد

اینکه بسیاری از منابع اسمی از رقیه نبرده‌اند سخن درستی است، اما اینکه گفته شود بیشتر منابع فقط نام دوتن را برده‌اند جای تأمل دارد؛ زیرا منابعی که به نام دوتن یعنی، فاطمه و سکینه تصریح کرده‌اند، اندک است. (بلاذری، ۱۳۹۷، ۱۴۶/۳؛ ابن سعد، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۴۷۹/۱؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۳۵/۲؛ سبط بن جوزی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۲۴۳/۱) منابعی که برای دختران امام حسین (علیه السلام) تعبیر «بنات» را به کار برده‌اند بسیار چشم‌گیر است (ابومخنف کوفی، ۱۴۱۷ هـ.ق؛ دینوری، ۱۳۶۸؛ ابن اعمش کوفی، ۱۴۱۱ هـ.ق، ۱۲۰/۵؛ طبری، ۱۳۸۷، ۴۲۴/۵ و ۸۸/۶؛ مفید، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۱۲/۲؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ۸۱/۴؛ سیدبن طاووس، ۱۳۸۸؛ ابن کثیر دمشقی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۱۶۵/۸). در جای خود ثابت شده است که براساس قراین درون متنی موجود در گزارش‌ها و شواهد برون متنی، واژه «بنات» دست‌کم بر عدد ۳ دلالت دارد. همچنین منابع بسیاری به تعداد سه دختر و بیشتر برای امام حسین (علیه السلام) تصریح کرده‌اند (ابن ابی تلج، ۱۴۱۰ هـ.ق؛ ابن طیفور، ۱۳۷۸؛ اسکافی، ۱۴۲۲ هـ.ق؛ ابن عساکر، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۶۸/۲۸؛ ابن مکرّم، ۱۴۰۲ هـ.ق، ۱۷۴/۹؛ شافعی، ۱۴۱۹ هـ.ق؛ اربلی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۵۸۲/۱؛ ابن صاغ مالکی، ۱۴۲۲ هـ.ق، ۸۵/۲؛ ابن فندق بیهقی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۳۵۵/۱؛ سیدبن طاووس، ۱۳۸۸ هـ.ق).

۳-۳. عدم اعتماد به گزارش‌های واقعه خرابه شام

- جز گزارش عمادالدین طبری، گزارش‌های دیگر همه مربوط به دوره متأخر است؛ (ر.ک..

- در گزارش های متأخران، تهافت ها و تناقض های بسیاری وجود دارد. ایشان، صفحات بسیاری را به بیان این تناقض ها و نقد و رد آنها اختصاص داده است؛

- اسمی از رقیه در گزارش طبری (زنده در ۵۵۳ هـ.ق) نیامده است؛

- اعتراضی از امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام که از شاهدان واقعه کربلا بودند به حاملان سر امام حسین علیه السلام گزارش نشده است؛ با اینکه ایشان بارها به رفتارهای یزید و ابن زیاد اعتراض کردند؛

- این سؤال کودک که «این سر کیست؟» قابل پذیرش نیست؛ زیرا سر امام حسین علیه السلام در تمام مسیر کوفه و شام در منظر آنها بوده است و سر پدرشان را دیده بودند و می شناختند، پس چگونه می پرسد که «این سر کیست؟». (عاملی، ۱۴۲۸ هـ.ق، ۷۱/۴)

۳-۴. بررسی و نقد

- باتوجه به بند اول، می توان گفت که گویا علامه سید جعفر مرتضی عاملی رحمته الله علیه اعتراف دارد که گزارش طبری از نظر قدمت قابل اعتناست؛

- در مورد بند دوم، نویسنده مقاله حاضر با نظر علامه نسبت به اشکالات وارده به منابع متأخر موافق است؛

- در مورد بند سوم، اگرچه اسم رقیه در گزارش طبری به کار نرفته است، اما بررسی مجموعه ای گزاره ها و شواهدی مربوط به این بحث نشان می دهد که کودک مورد نظر کسی جز رقیه نمی تواند باشد و احتمالات دیگری که آن کودک نام دیگری داشته و یا فرزند خود امام علیه السلام نبوده است، بسیار ضعیف است؛
- در مورد بند چهارم نکات زیر قابل تأمل است:

الف) گزارش طبری از این واقعه بسیار کوتاه و اشاره وار است. روشن است که در این نوع گزارش ها به اصل واقعه اشاره می شود و از پرداختن به حواشی و ضمایم پرهیز می شود؛

ب) در عبارت طبری (ر.ک.، عبدالمحمدی و رحیمی، ۱۳۹۸، ص ۴۶)، تصریح یا اشاره نشده است که امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام واکنشی نشان نداشتند، بلکه این مسئله را مسکوت گذاشته و دلیلش فشردگی گزارش بوده است.

- درباره بند پنجم، پاسخ این اشکال از تأمل در عبارت نسخه خطی کامل بهایی که

پیشتر عین آن نقل شد به خوبی روشن می‌شود.

(الف) اینکه کودک خواب بوده و در عالم خواب پدرش را دیده و پس از بیداری بی‌تاب پدر شده، شاهد قوی بر این نکته است که این واقعه در شب رخ داده است؛ یعنی در زمانی که خرابه‌نشینان در خواب بوده‌اند؛

(ب) شاهد قوی دیگری که نشان می‌دهد این واقعه در شب اتفاق افتاده، بیدار شدن یزید از خواب است؛ یعنی یزید در بستر خواب شبانه بوده و به‌طور عمیق خوابیده بوده است که از شنیدن ناله‌ها بیدار شده و چون خوابش را پریشان کرده بودند درصدد چاره‌جویی برآمده تا آنها را آرام کند.

- چون این واقعه در شب رخ داده، وقتی حاجبان، سر امام حسین علیه السلام را آوردند در تاریکی خرابه قابل رؤیت نبوده تا آن کودک بتواند تشخیص دهد. از این رو، طبیعی است که بپرسد «این چیست؟».

- عبارت «سر پدر خود را بدید» بدان معنا نیست که در آن تاریکی سر پدر خود را به‌وضوح مشاهده کرد، اما نشناخت؛ زیرا ادامه عبارت که می‌گوید: «پرسید که این چیست؟» دلیل بر آن است که در آن تاریکی قابل تشخیص نبوده؛ یعنی برای آن کودک، ماهیت آن آشکار نبوده است. از این رو، پرسیده که این چیست؟ اگر قابل تشخیص بود که سر انسان است باید می‌پرسید که: «این سر کیست؟» نه اینکه: «این چیست؟».

۳-۵. رقیه، بنت علی علیه السلام

مرحوم، علامه سید جعفر مرتضی عاملی رحمته الله علیه هیچ سند و دلیلی بر این ادعا ارائه نکرده است که رقیه مدفون در شام، دختر علی بن ابی طالب علیه السلام است. ایشان فقط یادآور شده است که این رقیه (یعنی کسی که در شام مدفون است)، همسر مسلم بن عقیل بوده که در کربلا و جریان اسارت حضور داشته و قبر او در دمشق است نه در مصر (عاملی، ۱۴۳۸ هـ.ق، ۶۷/۴). این ادعا، مبتنی بر دو فرضیه دیگر علامه یعنی، عدم وجود دختری به نام رقیه برای امام حسین علیه السلام و عدم اعتماد به گزارش طبری است. اگر آن دو فرضیه ثابت شود این دیدگاه او نیز تقویت می‌شود، اما اگر آن دو فرضیه مخدوش باشد فرضیه «تعلق داشتن مدفن مشهور دمشق به رقیه، دختر علی علیه السلام» نیز قابل اثبات نیست. دو فرضیه اول با اشکالات جدی مواجه

است با آنکه بارگاهی که در مصر است به رقیه بنت علی علیه السلام منسوب است و نفی انتساب آن نیازمند دلایل و شواهد قوی است که در بیان علامه علیه السلام چنین چیزی به چشم نمی آید.

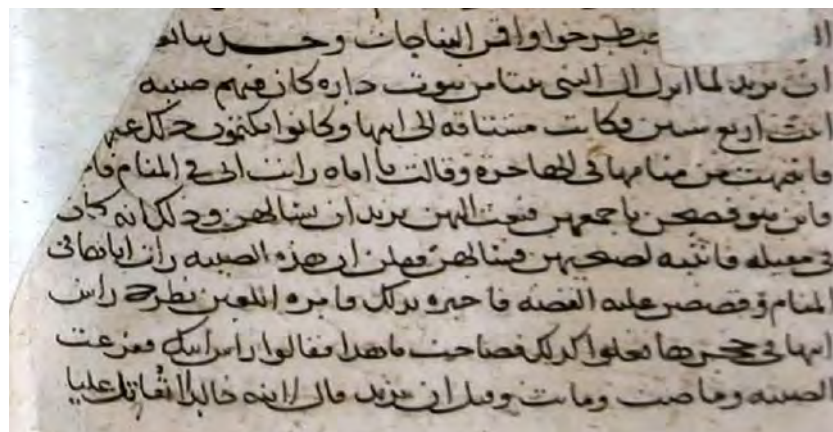
۴. نتیجه گیری

در مقاله بررسی و تحلیل منابع تاریخی درباره رقیه بنت الحسین علیه السلام از آغاز تا قرن هفتم هجری این مسئله بررسی شد که برپایه تعابیر برخی منابع متقدم، دست کم سه دختر برای امام حسین علیه السلام وجود داشته و در برخی، بیش از سه دختر برای آن حضرت ذکر کرده اند. بنابراین، تصریح به اسم دو دختر در منابعی مثل الارشاد از سویی متعارض است و از سوی دیگر، با گزارش ها و شواهد قوی مخالف روبه روست تاجایی که در منابعی مثل لباب الانساب و الملهوف به اسم آن دختر تصریح شده است.

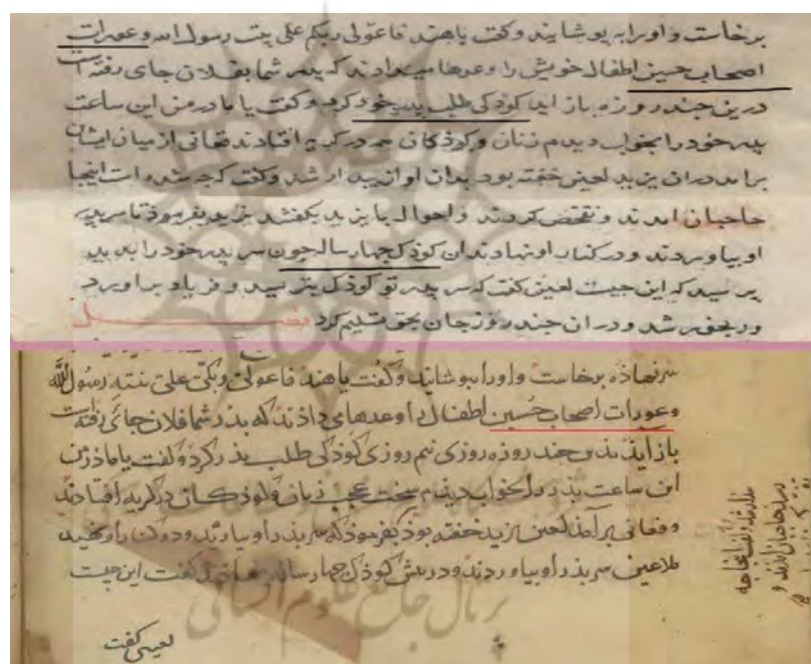
پیش از این تصور می شد واقعه خرابه شام که منجر به شهادت دختری از امام حسین علیه السلام شده است، فقط در کتاب کامل بهایی (قرن هفتم هجری) گزارش شده است، اما در دو منبع دیگر به نام های السنی فی قتل اولاد النبی صلی الله علیه و آله (قرن پنجم هجری) و کشف الغرایب (قرن هشتم هجری) که به تازگی کشف شده است نیز این واقعه ذکر شده است. محقق نسخه شناس، بدون اطلاع از نسخه خطی السنی و برپایه برداشت، فهم و تحلیل نادرست از گزارش کامل بهایی و کشف الغرایب میان آن دو ناسازگاری قایل شده و نیز براساس برداشت سطحی از عبارات لباب الانساب، دچار تهافت پنداری در گزارش این کتاب شده است. در مقاله حاضر، نشان داده شد که با عنایت به گزارش السنی و با توجه به نکته سنجی مؤلف لباب الانساب میان گزارش کامل بهایی و کنز الغرایب از سویی و میان عبارات لباب الانساب از سوی دیگر، هم پوشانی وجود دارد. اظهارات علامه عاملی رحمته الله علیه نیز مبتنی بر نسخه چاپی کامل بهایی و برداشت سطحی از گزارش های ابن فندق است و ادعای ایشان مبنی بر عدم وجود دختری از امام حسین علیه السلام به نام رقیه و انتساب قبری در شام به رقیه دختر امام علی علیه السلام بر احتمالات ضعیفی استوار است، در حالی که گزارش ها و شواهد تاریخی قوی خلاف آن را ثابت می کند.

فهرست منابع

۱. ابن فندق بیهقی، علی (۱۴۱۸ هـ.ق). *لباب الانساب*. محقق: رجایی، سیدمهدی. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ هـ.ق). *البدایه و النهایه*. بیروت: دارالفکر.
۳. ابن مکرّم، محمد بن علی (۱۴۰۲ هـ.ق). *مختصر تاریخ دمشق لابن عساکر*. محقق: روحیه النحاس، ریاض عبدالحمید مراد. و مطبع، محمد. دمشق: دارالفکر للطباعة و التوزیع و النشر.
۴. ابن ابی الثلج (۱۴۱۰ هـ.ق). *تاریخ اهل البيت* علیه السلام. قم: آل البيت علیه السلام.
۵. ابن اثیر، علی بن ابی الکرّم (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*. بیروت: داربیروت.
۶. ابن اعثم کوفی، احمد (۱۴۱۱ هـ.ق). *الفتوح*. محقق: شیر، علی. بیروت: دارالاضواء.
۷. ابن سعد، محمد (۱۴۱۴ هـ.ق). *الطبقات الکبری*. محقق: محمد بن صامل السملی. طائف: مکتبه الصدیق.
۸. ابن صباغ مالکی (۱۴۲۲ هـ.ق). *الفصول المهمه فی معرفه الائمه* علیه السلام. قم: دارالحديث.
۹. ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (۱۳۷۸). *بلاغات النساء*. قم: مکتبه الحیدریه.
۱۰. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۱۵ هـ.ق). *تاریخ دمشق*. محقق: عمرو بن غرامه العمری. بی جا: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۱۱. ابومخنف کوفی، لوط بن یحیی (۱۴۱۷ هـ.ق). *وقعه الطف*. محقق: غروی، یوسفی، وهادی، محمد. قم: جامعه مدرسین.
۱۲. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ هـ.ق). *کشف الغمه فی معرفه الائمه*. قم: رضی.
۱۳. اسکافی، محمد بن همام بن سهیل (۱۴۲۲ هـ.ق). *منتخب الانوار فی تاریخ الائمه الاطهار* علیه السلام. قم: دلیل ما.
۱۴. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۹۷). *انساب الاشراف*. محقق: محمودی، محمد باقر. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۵. پاکدامن، محمد حسن (۱۳۹۴). *رقیه بنت الحسین* علیه السلام در *انساب و تاریخ*. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی.
۱۶. دینوری، احمد بن داود (۱۳۶۸). *الاخبار الطوال*. محقق: عبدالمنعم عامر. قم: منشورات الرضی.
۱۷. سبط بن جوزی (۱۴۱۸ هـ.ق). *تذکره الخواص*. قم: منشورات الشریف الرضی.
۱۸. سید بن طاووس (۱۳۸۸). *لهوف*. مترجم: رجالی تهرانی، علیرضا. قم: نبوغ.
۱۹. شافعی، محمد بن طلحه (۱۴۱۹ هـ.ق). *مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول*. بیروت: البلاغ.
۲۰. طبری، عماد الدین حسن بن علی (بی تا). *کامل بهایی*. بی جا: المکتبه الرضویه.
۲۱. طبری، عماد الدین حسن بن علی (۱۳۷۹). *مناقب الطاهرين*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷). *تاریخ الامم و الملوک*. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دارالتراث.
۲۳. عاملی، سید محسن امین (۱۴۰۳ هـ.ق). *اعیان الشیعه*. بیروت: دارالتعارف.
۲۴. عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۴۳۸ هـ.ق). *سیره الحسین* علیه السلام *فی الحدیث و التاریخ*. قم: مرکز نشر و ترجمه مؤلفات العلامة المحقق السید جعفر مرتضی العاملی.
۲۵. کاشفی، حسین بن علی (بی تا). *روضه الشهدا*. محقق: بخشایشی، عبدالرحیم. بی جا: نوید اسلام.
۲۶. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ هـ.ق). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. محقق: مؤسسه آل البيت علیه السلام. قم: کنگره شیخ مفید.



عکس ۱: تصویر نسخه خطی کتاب السنی فی قتل اولاد النبی ﷺ



عکس ۲: تصویر سه نسخه کهن و تحریف نشده از کامل بهایی کتابت سده های هشتم تا دهم هجری. متعلق به کتابخانه های آیت الله مرعشی، کتابخانه مجلس جمهوری اسلامی ایران و کتابخانه ملی ایران

فرنیوه می شد مرستیان بن لوب را و باستاند مشایخ مصنف دهم
 آمده است که در آن حالت که اهل بیت را بفرای یزید در آوردند از فرزند
 امیرالمومنین بکلی چهار ساله مانده بود دخترینه و برادر عظیم دوست داشتی
 و همیشه به برسدی کنشد که بجای دفته است و ناکاه درین شب او را در خواب
 دیده بود از غلبه اشتیاق چون پیدار شد و برادر را ندید شوقش زیادت
 شد و چون بدین سرای درآمدند او بی صبری می کرد و می گریست چون او را
 برسد ندگفت بن امشب برادر خواب دیدم یا امام مرا خبرده که برادر
 کجاست که مرا پیش طاقت مفارقت اذمانه است چون اهل بیت این سخن
 را شنیدند یکبارگی نوحه و فریاد از نهاد ایشان برآمد و هرکس با ایشان
 بود همه بگریستند یزید در خواب غفلت بود بیدار شد از غلبه فریاد و نوحه
 ایشان بررسید که حال جیت قصه را با او بگفتند بفرمود که سر امیرالمومنین
 حسین را بیاورند تا به پند چون بیاوردند و در پیش او نهادند بپرسید
 که این جیت کنند سر پر تو چون این سخن شنید بلندید و پیش
 گرفت و فرمان یافت و این از سنای و قیام یزید بود لعنه الله و در

عکس ۳: تصویر نسخه خطی کنز الغرایب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی